

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نېاشد تن من مېباد بدین بوم و بر زنده یک تن مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Ideological

مسائل ایدئولوژیک

الحاج داکتر امین الدین "سعیدی-سعید افغانی"
۱۸ سپتمبر ۲۰۲۲

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

تفسیر احمد

ترجمه و تفسیر سُورَةُ «النُّور» - (۸)

جزء ۱۸

چاپ اول ۲۰۲۲ ©

سورة نور در مدینه نازل شده و دارای شصت و چهار آیت و نه رکوع می‌باشد.

عورت:

عورت در لغت به معنای چیزی بد و قبیح بوده و در اصطلاح شرع عبارت از آن قسمت بدن می‌باشد که نباید برای دیگران آشکار گردد.

دین اسلام یکی از جاهانی را که واجب است چشم انسان در برابر آن کنترل شود، عورت است. که مرد نباید به عورت زن نگاه کند و زن نباید به عورت مرد نگاه کند. (تفصیل در ذیل آمده است.) البته فرق نمی‌کند که نگاه کردن هدف شهوانی داشته باشد یا غیر شهوانی.

پیغمبر صلی الله علیه وسلم می‌فرماید: «مرد نباید به عورت مرد نگاه نماید و زن هم نباید به عورت زن نگاه کند. حتی مرد نباید با مرد دیگر در یک بستر یا تخت خواب بخوابد و زن با زن هم نباید در یک رختخواب بخوابد.» علمای اسلام با استناد این حدیث شریف بر حرمت خوابیدن و دراز کشیدن مرد با مرد و زن با زن زیر یک لحاف نیز حکم نموده اند.

عورت مرد:

مابین زانو و ناف او می‌باشد. برخی علماء از جمله ابن حزم و برخی از علمای مالکی عقیده دارند که خود زانو هم شامل عورت مرد است.

عورت زن در برابر مرد بیگانه:

تمام بدن او به جز صورت و کف دو دستش می‌باشد. و حتی نامحرم حق لمس را به جانی که محرم زن خوانده شده است، ندارد. مگر در صورتی که عمل جراحی و عملیات طبی باشد.

یادداشت:

زن می‌تواند به سایر اعضای بدن مرد غیر از عورت (مابین زانو و ناف) در صورتی که امکان تحریک شهوانی و خوف فتنه نباشد، نظر بیندازد.

حکم دینی:

چون خود پیامبر صلی الله علیه وسلم به حضرت عایشه (رض) اجازه داده است که غلام‌های حبشی را که با نیزه‌های خود در مسجد النبی بازی می‌کردند تماشا کند و عایشه تازمانی به آن‌ها نگاه کرد که خسته شد و بعد رفت. حدیث متفق علیه است.

یادداشت:

همچنین نظر مرد به صورت و دست زن که عورت نیستند، در صورتی که همراه با فتنه و تحریک غریزه جنسی نباشد، حلال است.

حکم دینی:

در حدیث شریف از حضرت بی بی عایشه (رض) روایت است که روزی خواهرش أسماء دختر ابوبکر (رض) با لباس نازک و شفاف که بدنش در آن نمایان بود نزد پیغمبر صلی الله علیه وسلم آمد. پیامبر صلی الله علیه وسلم رویش را از او برگردانید و فرمود:

«یا أسماء! إذا بلغت المحيض لم يصلح أن يری منها إلا هذا وهذا وأشار إلى وجهه وكفيه» (ای أسماء! وقتی زن به سن بلوغ رسید جایز نیست هیچ يك از اعضای بدن او دیده شود مگر این و آن، اشاره فرمود به روی و کف دو دستش. (راوی حدیث ابو داود است).

خلاصهٔ مبحث عورت:

به‌طور خلاصه و نتیجه‌گیری مبحث عورت باید گفت که: عورت بر چهار قسم است:

۱- عورت مرد با مرد: نگرستن مرد به سوی تمام بدن مرد دیگری - به‌جز ما بین ناف تا زانوی او - جایز است. البته برای مردان خوابیدن در کنار هم جایز نیست؛ زیرا رسول الله صلی الله علیه وسلم زنان و مردان را از خوابیدن و همبستر شدن در زیر یک جامه با هم جنس خود نهی کرده‌اند. هم‌آغوش شدن و روبوسی مرد با مرد نیز مکروه است، مگر این‌که شخص فرزند خود را از روی شفقت ببوسد. گفتنی است که مصافحه با دست مستحب است، چنان‌که در حدیث شریف آمده است.

۲- عورت زن با زن: همانند عورت مرد با مرد است و در هنگام بیم فتنه، خوابیدن زنان با یکدیگر در پهلوی هم جایز نیست.

۳- عورت زن با مرد: اگر زن نسبت به مرد بیگانه بود، تمام بدن وی نسبت به او عورت است و نگاه کردن بهسوی چیزی از بدن وی - جز روی و هر دو کف دستش - جایز نیست. ولی ابوحنیفه نگاه کردن بهسوی زن بیگانه را برای یک بار جایز شمرده، در صورتی که بیم فتنه نبود. نگاه کردن بهسوی زن بیگانه برای خواستگاری، در هنگام داد و ستد، در هنگام تحمل و برعهده گرفتن شهادت و نیز برای پزشک امانتدار جایز است.

۴- عورت مرد با زن: اگر مرد نسبت به زن بیگانه بود، عورت مرد نسبت به وی از میان ناف تا زانوست. صاحب تفسیر «فی ظلال القرآن» میگوید: «هدف اسلام، به وجود آوردن جامعه پاکیزه‌ای است که شهوت‌ها در هر آن و هر لحظه، در آن برانگیخته نشود زیرا انگیزش لحظه به لحظه و بی‌مهاری شهوت، به آن‌چنان آتش‌فشان شهوانی می‌انجامد که نه خاموش می‌شود و نه سیراب... لذا یک لحظه نگاه خایانه، یک لحظه حرکت عشوهرگرانه و تهییج‌کننده، یک صحنه از آرایش شهوت برانگیز و یک منظره از پیکره برهنه... کافی است که این آتش‌فشان جنون وار حیوانی را تحریک کرده و زمام اعصاب و اراده را از کف با کفایتان براباید، چه رسد به شهوت‌بارگان بی‌هنری که همیشه در گنداب شهوت‌بارگی می‌لوندند... و مُسَلَّم است که نتیجه، چیزی جز هرج و مرج بی‌مهاری شهوانی، یا بیماری‌های عصبی و عقده‌های روانی ناشی از سرکوب شهوت بعد از تهییج پیاپی آن، نیست».

محارم حجابی در قرآن:

قرآن عظیم الشان به زنان مسلمان امر فرموده است که: «وَلَا يَبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا» آن‌عه از زینت را که پنهان است نباید آن‌را عریان و آشکار سازید.

مثلاً زینت گوش؛ مو، گردن، سینه، ساق و غیره ...

«وَلَا يَبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا لِبُعُولَتِهِنَّ» و زینتی را که خدا کشف آن را حرام کرده است، نمایان نکنند جز برای شوهران خود.

۱- البته شوهر، می‌تواند هر حصه از بدن زنش را که بخواهد، ببیند وزن هم‌مین‌طور، در حدیث شریف آمده است «إِحْفَظْ عَوْرَتَكَ إِلَّا مِنْ زَوْجِكَ» (عورت خود را حفظ کن مگر از همسرت).

۲- «أَوْ آبَائِهِمْ أَوْ أَبَائِ بُعُولَتِهِمْ» و جز در محضر پدران خود و پدران شوهر که این دو جزو محارمند؛ زیرا پدر آبروی دختر خود را حفظ می‌کند و پدر شوهر، پسرش را از هر زشتی مصون می‌دارد. (قابل تذکر است که پدر و پدرکلان چه پدری باشد و یا مادری که هر دو آن حکم پدر را دارند).

۳- پدر شوهر (خسر) که برای عروس، حکم پدر را دارد.

همچنان در آیت مبارکه سایر محارم به‌شرح ذیل جمع‌بندی و بیان گردیده است: «أَوْ أَبْنَائِهِمْ أَوْ أَبْنَاءِ بُعُولَتِهِمْ أَوْ إِخْوَانِهِمْ أَوْ بَنِي إِخْوَانِهِمْ أَوْ بَنِي أَخَوَاتِهِمْ» بدین ترتیب خدا فرزندان زن و پسران شوهر که از زنی دیگر هستند، و پسران برادر و خواهرش یعنی برادرزاده و خواهرزاده را نام برده که تمام این‌ها محرم اند و ازدواج با آن‌ها حرام است؛ زیرا خداوند سرشت و طبیعت انسان را طوری خلق کرده است که از تماس و نزدیکی و ازدواج با خویشاوندان نزدیک متنفر است.

۵- پسران شوهر، چون اختلاط با آن‌ها ضروری است و زن پدر به منزله مادر حقیقی برای آنان است. امام قرطبی در تفسیر خویش می‌فرماید: هر چند در آیت در ظاهر نمودن زینت، بین محارم فرقی گذاشته نشده است، ولی نسبت خواص نفس بشری مراتب آن تفاوت می‌کند. مثلاً برای پدر زینتی ظاهر می‌گردد که برای شوهر ظاهر نمی‌شود.

- ۶- برادر، خواه پدری باشد و یا مادری.
- ۷- برادرزاده، چون عمه، بر برادرزاده حرام ابدی است.
- ۸- خواهرزاده، چه خاله بر او حرام ابدی است.
- ۹- زن‌هایی که با زن مسلمان چه از لحاظ دینی و چه از لحاظ نسبی به هم مربوط باشند، اما زنان غیر مسلمان حق ندارند زینت‌های پنهانی زن مسلمان را تماشا کنند.
- أَوْ نِسَائِهِنَّ یا زنان مسلمان و همکیش خود. بدین ترتیب زنان کافر استثناء شده‌اند.
- مجاهد گفته است: منظور از نِسَائِهِنَّ زنان مسلمان است نه زنان مشرک، بنابراین درست نیست زن مسلمان در حضور زن مشرک کشف عورت کند.
- و ابن عباس گفته است نِسَائِهِنَّ عبارتند از زنان مسلمان. پس نباید زینت خود را برای زن یهودی یا نصرانی نمایان کند. (و بنا به قول اکثر سلف منظور از نساء، زنان مسلمان است. فخر رازی گفته است: گویا منظور تمام زنان است که عموم آن‌ها در حلال بودن تماشا کردن به یکدیگر یکسان اند و نظر سلف بر استحباب حمل می‌شود).
- ۱۰- مَلِكُ الْيَمِينِ زن، خواه عبد یا کنیز باشد. چون اسلام مَلِكُ الْيَمِينِ را جزو افراد خانواده قرار داده است، ولی بعضی از علماء مَلِكُ الْيَمِينِ را در این‌جا خاص کنیز و جاریه دانسته‌اند.
- در آیت مبارکه آمده است: (أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُنَّ) یعنی کنیزان زرخرید مشرک. ابن جریر گفته است: یعنی زرخرید مشرک، پس جایز است زینتش را برای او نمایان کند با این که مشرک باشد؛ چون کنیزش می‌باشد.
- ۱۱- خدمه و گارگرانی که به واسطه آفت جسمی یا عقلی، تمایل جنسی ندارند. یعنی فاقد شهوت و علاقه جنسی اند. طوری که در آیت مبارکه می‌فرماید: أَوْ التَّابِعِينَ غَيْرِ أُولَى الْإِرْبَةِ مِنَ الرِّجَالِ یا خدمتکاران مرد که تمایلی به هوس و نیازی به زنان ندارند. مانند ابلهان و احمقان و سبک مغزان که از امور جنسی چیزی نمی‌دانند.
- مجاهد گفته است: ابلهی که خوراک می‌خواهد و به زن تمایلی ندارد و جز شکم هدفی ندارد.
- ۱۲- پسرانی که تا هنوز احساس و غریزه جنسی در آنان تحریک نشده است.
- طوری که در آیت مبارکه می‌فرماید: «أَوْ الطُّفُلُ الَّذِينَ لَمْ يَظْهَرُوا عَلَى عَوْرَاتِ النِّسَاءِ» یا اطفال صغیر که به حد هوس نرسیده‌اند و به سبب صغر سن از امور نزدیکی چیزی نمی‌دانند. پس اگر زن در حضور آنان زینت خود را نمایان کند گناهی ندارد.

نتیجه:

حکمت و فلسفه دین اسلام در پیش گرفتن حجاب به زنان اینست تا به پیروان خود توصیه کند که زن در معاشرت خود با مردان بیگانه، موی سر و اندام خود را بپوشاند و به خودنمایی نپردازد تا در جامعه، غریزه آتشین جنسی به صورت غیر مشروع تحریک نگردد؛ بلکه این غریزه تنها در محیط مشروع و خانواده، به صورت صحیح آن ارضا و اشیاع گردد.

همچنان خداوند پاک، مردانی را که خود را شبیه زنان می‌سازند و زنانی را که خود را شبیه مردان می‌سازند، منع و نفرین نموده است.

نظر فقهاء و مفسران در مورد عورت:

اگر ما نظریات مفسران، علماء و فقها را در نظر بگیریم، به وضاحت تام در خواهیم یافت که در باره مسأله نقاب یا روبند زنان میان فقهاء از قدیم الایام اختلاف آراء وجود داشته و دارد.

- ۱- برخی از دانشمندان روی زن را عورت شمرده و پوشاندن آنرا فرض یا واجب می‌دانند.
 - ۲- برخی دیگر علماء و فقها روی زن را عورت ندانسته و پوشاندن آنرا واجب و فرض نمی‌شمارند. بلکه کشف یا پوشاندن آن، هر دو را مباح می‌دانند. بدین اساس ایشان بدین باور اند که اگر زنانی روی‌شان را با نقابی بپوشانند یا نبپوشانند کسی حق ممانعت آنرا ندارند.
- به این اساس چنانچه گفته آمدیم به صورت کل علماء سه حالت را در مورد عورت زن مطرح می‌کنند. یکی حجاب (کاملاً ستر)، دوم سفور (که صرف دست و روی و پای تا حد ضرورت به راه رفتن) و سوم تبرج و نمایش اندام و بلندی‌های بدن است. یعنی حجاب متفق علیه. در حالت سفور یعنی دوم اختلاف نظر است، و حالات سوم یعنی تبرج حرام است.

پایه و اساس اختلاف:

اساساً اختلاف این نظریات از کجا سرچشمه گرفته است: این اختلافات از تفسیر آیت: (۳۰-۳۱) سوره نور که در سال پنجم هجرت نازل شده است سرچشمه می‌گیرد:

در سوره (نور، آیات متبرکه که ۳۰ - ۳۱) آمده است: «**قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ يَغُضُّوا أَبْصَارَهُمْ وَيَحْفَظُوا فُرُوجَهُمْ ، ذَٰلِكَ أَزْكَىٰ لَهُمْ ، وَقُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ وَيَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ ، وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا ، وَلْيَضْرِبْنَ بِخُمُرِهِنَّ عَلَىٰ جُيُوبِهِنَّ**»

(وبه زنان با ایمان بگویند چشم‌های خود را فرو پوشند و عورت‌های خود را از نگاه کردن دیگران پوشیده نگاه دارند و زینت خود را، جز آن مقداری که ظاهر است، آشکار نسازند و چادرهای خود را بر سینه‌های خود افکنند و زینت‌های خود را آشکار نسازند. اختلاف مفسران از جمله «**وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا**» (باید زنان زیور خود را اعم از آرایش و زیور آلات آشکار نسازند، مگر زینت‌هایی که آشکار است.) سرچشمه و آغاز می‌گردد. **إِلَّا مَا ظَهَرَ**:

«زینت ظاهره»:

در مورد زینت ظاهر و آرایش آشکار مفسران و شارحان دین مقدس اسلام غرض توضیح و تفسیر این امر نظریات و تفسیرهای مختلفی و فتوای شرعی ابراز داشته اند که برخی از این نظریات عبارتند از:

ابن عباس مفسر مشهور جهان اسلام می‌فرماید: که مراد از زینت آشکار:

کف دستان، انگشتی و روی است.

عبدالله بن عمر می‌گوید زینت آشکار: روی و دو کف دستان را گفته است.

انس بن مالک زینت آشکار را کف و انگشت تفسیر کرده است.

ابن حزم همه این روایات را معتبر و در کمال صحت دانسته است. علامه شوکانی در نیل الاوطار و علامه یوسف قرضاوی در کتاب خویش «فتاویٰ معاصر» می‌نویسند: برخی از امامان از جمله: امام هادی و امام قاسم (امامان مذهب زیدیه) در یکی از دو قولش و امام أبوحنیفه (رح) در یکی از دو روایت و هم چنان امام مالک گفته اند که تمام بدن زن به جز روی، و دو کف دستان شان عورت است.

امام نسفی می‌فرماید: «مواضع زینت عبارت است از: سر، گوش‌ها، گردن، سینه، بازوها و ساق‌های زنان زیرا این مواضع محل آویختن زنجیر، گوشواره، گردنبند، دست‌بند، خلخال، میخک و غیره اند.»
در آیت مبارکه آمده: زینت خود را آشکار نگردانند «مگر آنچه از آن که پیداست» به طور طبیعی، که عبارت است از: لباس، صورت و هر دو کف دست زن زیرا در پوشاندن آن‌ها حرج است.

طوری‌که امام نسفی می‌فرماید: «زن ناگزیر است تا اشیاء را با دستان خویش بگیرد و ناگزیر است که صورت خویش را برهنه کند، مخصوصاً در ادای شهادت و در محاکمه و نکاح». ابن عباس و قتاده گفته‌اند: «زینتی که به طور طبیعی پیدا و نمایان است، عبارت است از: سرمه، دست‌بند، حناء، انگشتر و مانند این‌ها، لذا نمایان ساختن این‌ها برای زن جایز است». در روایت دیگری از ابن عباس و ابن عمر (رض) آمده‌است: «زینتی که آشکار است، عبارت از چهره و هر دو کف دست می‌باشد».

امام قاسم در قولی و امام ابو حنیفه در روایت دیگری و سفیان ثوری و ابو العباس در روایتی دیگر گفته‌اند که به جز روی و دو کف دست و قدم‌ها و خلخال زن دیگر همه عورت است. امام احمد بن حنبل و داود ظاهری بدین باور اند که همه بدن زن به جز روی او عورت است.

امام قرضاوی می‌گوید اگر ما نظریات علماء را به‌دقت تام مطالعه نمائیم به وضاحت تام فهمیده می‌شود که همه بر این امر معتقد اند که روی زن عورت نیست.

صرف امام احمد و برخی از شافعیان روی زن را عورت شمرده‌اند که این روایت هم غیر معروف است.
علمای عصر حاضر از جمله شیخ محمد غزالی و داکتر قرضاوی بدین باور و عقیده اند که روی و کف دست‌ها در جمله عورت زن به‌شمار نمی‌روند.

ولی امام ابو الاعلی مودودی در کتاب مشهور خویش «حجاب» و شیخ محمد سعید رمضان البوطی در رساله خویش «إلى فتاة تؤمن بالله» (به دختری که به خدا ایمان دارد) روی زنان را حجاب خوانده و پوشش نقاب را واجب گفته‌اند.

استدلال کسانی که روی را عورت نمی‌شمارند:

اول: آیات قرآنی:

«وليضربن بخمرهن على جيوبهن» «باید زنان روی‌سری‌های‌شان را بر گریبان‌های‌شان بکشند» به اباحت کشف وجه یعنی روی استدلال کرده‌اند چون در این جا گفته شده است خمر (جمع خمار) روسری‌ها را بر جیبوب (جمع جیب) گریبان‌ها بزنند و نه بر روی‌ها.

همچنان تعدادی دیگر از مفسران بر آیت (۳۰) سورة نور به‌خصوص آیت: «قل للمؤمنين يغضوا من ابصارهم» استدلال می‌آورند و می‌گویند که: در آیت متبرکه کلمه (الغض من الابصار) آمده است و این عبارت دلالت دارد که روی زنان مکشوف بوده است.

امام غزالی می‌پرسد: اگر روی زنان پوشیده باشد، پس چرا مؤمنان چشم‌های‌شان را فرو افکنند، آیا آنان چشم‌های‌شان را از دیدن قفا و پشت سر زنان فرو اندازند؟ و می‌افزاید: فراقگندن چشم (غض البصر) به گونه بدیهی در وقت ظاهر شدن روی صورت می‌گیرد، شاید مرد چیزی را از زن ببیند و آن جالب گردد، در چنین وقتی است که باید نظر تکرار نگردد.

طوری که پیامبر صلی الله علیه وسلم به حضرت علی گفته است: «یا علی لا تتبع النظرة النظرة، فإن لك الأولى وليست لك الآخرة».

داکتر قرضاوی مفتی و مجتهد مشهور عالم اسلام، می‌گوید: که غض بصر (فرو افگندن چشم) که خداوند بدان امر کرده است به معنای پوشاندن چشم و فرو افگندن سر نیست به گونه‌ای که انسان نتواند کسی را ببیند، چون این کار در مقدر انسان نیست، معنای آن کاستن از نظر و رها نکردن آن به گونه‌ای است که تیر نگاهش را در پی جای‌های فتنه‌انگیز رها نسازد و به همین منظور تعبیر به «الغض من الابصار» و نه «غض الابصار» آمده است. بناءً برای مرد جایز است به آنچه از زن عورت نیست وقتی از سر شهوت نباشد نظر کند، ولی اگر نظر از سر شهوت بود و بر خوشتن بیم در فتنه واقع شدن داشت، تحریم نگاه کردن از باب سد ذریعه درست می‌آید. و زن در همه این موارد مانند مرد است لذا برایش جایز است توأم با آداب و چشم فرو افگندن به آنچه از مرد عورت نیست، نظر کند.

دوم: احادیث نبوی:

دست زن عورت نیست: امام بخاری در صحیحش از ابن عباس (رح) روایت کرده است که او با پیامبر صلی الله علیه وسلم در نماز عیدی حاضر شده و دیده است که پیامبر صلی الله علیه وسلم پس از آن که نماز گزارد و خطبه خواند، در حالی که او را بلال همراهی می‌کرد به جمع زنان آمد، آنان را موعظه و تذکیر و به صدقه دادن امر کرد. ابن عباس می‌گوید: «فرأیتهن یهویهن بأیدیهن یقذفن، آی المال فی ثوب بلال» پس از آن این زنان را دیدم که دست‌های شان را پائین می‌کنند و صدقه مال را در دامن بلال می‌اندازند چون ابن عباس در حضور رسول خدا صلی الله علیه وسلم دست زنان را دیده است لهذا ثابت شده است که دست زنان عورت نیست.

روی زن عورت نیست: امام بخاری و امام مسلم و أصحاب سنن از ابن عباس روایت کرده اند که زنی از قبیله خثعم در حجة الوداع از پیامبر صلی الله علیه وسلم فتاوی خواست در حالی که فضل بن عباس در ردیف پیامبر صلی الله علیه وسلم سوار بود، فضل با دقت به آن زن، که بسیار زیبا بود، دیدن گرفت «جعل یلقت إلیها»، و پیامبر صلی الله علیه وسلم روی فضل را به طرف دیگر بر می‌گردانید، عباس گفت: ای رسول خدا چرا گردن پسر عمویت را گردانیدی؟ پیامبر صلی الله علیه وسلم گفت: پسری جوان و دختری جوان را دیدم و از فتنه شیطان بر آنان بیم کردم.

برخی از محدثان و فقها از این حدیث جواز نظر به وجه زنان را استنباط کرده می‌گویند: پیامبر صلی الله علیه وسلم در این حدیث روی فضل را بر گردانیده و به پوشش روی زن امر نکرده است و اگر روی او پوشیده می‌بود، ابن عباس هرگز نمی‌دانست که او زیبا بود یا زیبا نبود. و اگر عباس نمی‌فهمید که نظر کردن به روی زنان جایز است از پیامبر صلی الله علیه وسلم نمی‌پرسید که چرا روی فضل را بر گردانیده و اگر فهم او درست نبود پیامبر صلی الله علیه وسلم او را بر آن فهم تأیید نمی‌کرد.

نقطه قابل دقت اینست که این حادثه پس از آیت حجاب واقع شده است، این حادثه در حجة الوداع، سال دهم هجرت صورت گرفته و آیت حجاب در سال پنجم هجرت نازل شده است.

علامه شیخ ناصرالدین آلبنانی که از محدثان بزرگ عصر است و در سخت‌گیری در عمل به سنت رسول الله صلی الله علیه وسلم شهرت دارد، در کتاب خویش «لباس المرأة المسلمة - لباس زن مسلمان» سند احادیث فوق را معتبر

دانسته و کشف وجه زنان را مباح و جایز دانسته اما آنان را در کشف و پوشانیدن آن مختار قرار داده اند. و می‌گوید: اگر کسی رویش را می‌خواهد که بپوشاند کسی دیگری نمی‌تواند بر او انتقاد و ایراد گیرد.

علامه قرضاوی در کتاب خویش «فتاویٰ معاصر» با ذکر دلایل بر وجود نقاب و یا پوشانیدن وجه زنان از صدر اسلام آورده و گفته است در طول تأریخ اسلام هیچ يك از علمای مسلمانان آن را حرام نگفته است و در مورد آن بین وجوب و استحباب و جواز اختلاف کرده اند.

ولی در شرایط فعلی شیخ محمد الغزالی با رعایت ادب و ارزش‌های دینی توصیه نموده و به این مراکز اسلامی خاطر نشان می‌سازد تا اصرار بر نقاب پوشیدن یا پرهیز ورزیدن زنان از حضور در محافل و مجالس سیمیناها و سمپوزیم‌های مسلمانان، بهانه‌ای برای مخالفان گسترش دعوت اسلامی در میان جوامع غربی ندهد و وجود جامعه مسلمانان در میان آنان گروهی جدا و غریب تلقی نشود.

خوانندگان گرامی !

قول راجح در فقه و شریعت این است که: صورت و کف دست‌های زن - چنانچه خوف فتنه نباشد - عورت نیست اما اگر خوف فتنه وجود داشت و اهل فسق و فجور در جامعه بسیار بودند، پوشیدن صورت واجب است.

آیا صدای زن عورت است ؟

نباید فراموش کنید که: مردها به سبب غریزه شهوت به زنان میل و رغبت دارند. وقتی زن با صدای دلکش و زیبا سخن بگوید فتنه بیشتر می‌شود، از این رو خداوند به مؤمنان هدایت فرموده است که؛ اگر چیزی از زن‌ها خواستند از پشت پرده بخواهند و می‌فرماید: «وَإِذَا سَأَلْتُمُوهُنَّ مَتَاعًا فَاسْأَلُوهُنَّ مِنْ وَرَاءِ حِجَابٍ ذَلِكُمْ أَطْهَرُ لِقُلُوبِكُمْ وَقُلُوبِهِنَّ» «و چون از زنان [پیامبر] چیزی خواستید از پشت پرده از آنان بخواهید این برای دل‌های شما و دل‌های آنان پاکیزه‌تر است» [الأحزاب-۵۳] خداوند زنان را از سخنان نرم و جذاب با مردان نهی کرده است تا انسان‌ها مریضان اخلاقی به آن‌ها طمع نورزند. طوری که می‌فرماید: «يَا نِسَاءَ النَّبِيِّ لَسْتُنَّ كَأَحَدٍ مِنَ النِّسَاءِ إِنِ اتَّبَعْتُنَّ فَلَا تَخْضَعْنَ بِالْقَوْلِ فَيَطْمَعَ الَّذِي فِي قَلْبِهِ مَرَضٌ» «ای همسران پیامبر شما (در فضل و شرف) مانند هیچ یک از زنان [دیگر] نیستید اگر می‌خواهید پرهیزگار باشید، پس به ناز سخن مگوئید که مریضان اخلاقی چشم طمع به شما بدوزند» [الأحزاب-۳۲]

با این توضیح مشخص می‌شود که صدای زن عورت نیست و صدائی که همراه با نرمی و جذابیت نباشد عورت نیست، چون زنان با پیامبر صَلَّی اللّٰهُ عَلَیْهِ وَاٰلِهٖ وَسَلَّم حرف می‌زدند و از ایشان مسائل دینی را می‌پرسیدند، و همچنین زنان با صحابه سخن می‌گفتند.

ولی بر زنان است تا از اختلاط با مردان بیگانه و سخن گفتن با آن‌ها را به حداقل برسانند و اگر ضرورت بود با لهجه نرم و نازک و چرب و شیرین با آن‌ها حرف زنند.

به صورت کل در مورد این که صدای زن در عورت شامل است یا خیر! مفسران و امامان نظریات مختلفی دارد: شوافع صدای زن را عورت نمی‌شمارند ولی در نزد احناف اقوال مختلفی در این باب وجود دارد، ولی رأی أرجح نزد احناف استدلال به آیت (۳۱ نور) همین است که صدای زن عورت است زیرا وقتی صدای زنگ پای او مورد نهی باشد، صدای خود وی به طریق اولی عورت است. امام نَسَفِی در تفسیر خویش می‌نویسد: «بنده هر چند کوشش کند، باز هم در امتثال اوامر و نواهی خدای متعال از سهو و قصور خالی نیست، از این جهت است که حق تعالی تمام مؤمنان را به توبه سفارش کرده است». ادامه دارد